

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال سیزدهم، شماره ۵۱، بهار ۱۴۰۰

صفحات: ۱۷۸-۱۵۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵

مقاله: پژوهشی

روابط اسرائیل و آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

قربانعلی محبوبی* / سید محمدرضا موسوی** / سید علیرضا عزیز موسوی***

چکیده

اسرائیل از سال ۱۹۹۲ با به رسمیت شناختن کشور آذربایجان و همکاری در زمینه های مختلف سیاسی- اقتصادی و امنیتی سعی نموده تا به اهداف مختلف خود دست یابد. در این پژوهش با بررسی حضور اسرائیل در مرزهای ایران به خصوص نفوذ آن در جمهوری آذربایجان به دیدگاه های مختلف در مورد علل و زمینه های این تهدید اشاره شده است. اسرائیل از طریق برقراری روابط با کشورهای دیگر سعی دارد بر روابط ایران با آن کشورها تأثیر گذاشته و خود را از انزوای سیاسی موجود در منطقه برهاند. بنابراین سوالاتی که در این تحقیق مطرح می شود عبارت است از این که عوامل موثر در افزایش روابط آذربایجان- اسرائیل کدامند؟ و این روابط چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟ در این پژوهش سعی شده است با رویکردی واقع گرایانه و نگرشی تحلیلی و توصیفی ریشه های همکاری ها و مناسبات دو کشور آذربایجان و اسرائیل مطالعه و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران سنجیده شود.

کلیدواژه‌ها: اسرائیل؛ آذربایجان؛ امنیت ملی؛ ایران؛ قفقاز جنوبی.

gm.west@yahoo.com

* استادیار مطالعات بین الملل دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

** دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و مدرس دانشگاه، تهران، ایران(نویسنده مسؤول).

moosaviut@gmail.com

*** کارشناسی ارشد علوم دفاعی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

مقدمه

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، اسرائیل به منظور گسترش نفوذ در منطقه، روابط همه جانبه‌ای را با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز برقرار کرده است. سابقه روابط رژیم صهیونیستی با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز در سه دوره تاریخی مجزا قابل بررسی است.

الف) از زمان تأسیس اسرائیل تا قبل از روی کارآمدن گورباچف: در بیشتر این دوره شوروی موضعی خصمانه در قبال اسرائیل اتخاذ نموده و بالطبع جمهوری‌های منطقه که هیچگونه ارتباطی جز از طریق دولت مرکزی با جهان خارج نداشته‌اند نیز از هیچ رابطه‌ای با اسرائیل برخوردار نبودند.

ب) دومین دوره از روی کارآمدن گورباچف تا زمان فروپاشی شوروی ادامه داشته است. در این دوره، سیاست خارجی شوروی در قبال اسرائیل چرخش یافته و تا پایان سال ۱۹۹۱ سفیر بین طرفین مبادله می‌شد و به یهودیان روسیه اجازه داده می‌شد تا مهاجرت همگانی به اسرائیل داشته باشند.

ج) سومین مرحله با فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های مشترک المنافع آغاز گردید. در این دوره اسرائیل به عنوان یکی از رقبای با نفوذ وارد صحنه رقابت منطقه‌ای گردید (رضایی، ۱۳۷۷: ۶۷-۶۶).

عوامل متعددی توجیه کننده نفوذ رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان هستند. این عوامل به طور کلی به عوامل اقتصادی و امنیتی قابل تقسیم می‌باشند. بهره‌گیری از منابع غنی انرژی جمهوری آذربایجان و نیز امکان دستیابی به بازار روبه رشد و پر مصرف این کشور در جهت صادرات کالا برای اسرائیل از عوامل اقتصادی توجیه کننده این نفوذ به شمار می‌روند. نزدیکی به مرزهای شمالی ایران، به عنوان بزرگترین دشمن اسرائیل مطلوبیت بسیاری را برای اسرائیل به همراه دارد. در این بین جمهوری آذربایجان نیز از گسترش روابط با اسرائیل استقبال می‌کند. که علت آن خواست این کشور در نزدیکی هرچه بیشتر به ایالات متحده و نیز امکان استفاده از تکنولوژی‌های مدرن اسرائیل در زمینه‌های گوناگون می‌باشد.

۱. اهمیت روابط اسرائیل و آذربایجان

روابط اسرائیل با آذربایجان بنابر دلایل متعددی اهمیت فراوانی دارد. آذربایجان یک کشور مهم استراتژیک، دارای منابع غنی زیرزمینی و یک کشور مسلمان شیعه است. به عنوان یک کشور ساحلی خزر، آذربایجان این امکان را دارد که یک صادر کننده عمده هیدروکربن باشد. بر اساس نظر برخی تحلیل گران رژیم صهیونیستی حتی این اندیشه وجود دارد که نفت خام خزر روزی به اسرائیل راه پیدا کند (Bollin, 2007: 6). این امر برای جامعه سیاسی آمریکا بسیار جذاب است چرا که واشنگتن حفظ نفت رژیم صهیونیستی را تضمین می کند. از سوی دیگر آذربایجان به دلیل تجربه عصر شوروی، امروزه یک کشور مسلمان سکولار است. با این وجود از نظر تاریخی یک کشور مسلمان محسوب می شود و این حقیقت را نباید نادیده انگاشت، به خصوص که در بررسی روابط اسرائیل و آذربایجان به یاد داشتن آن بسیار با اهمیت است. سیاستگذاران رژیم صهیونیستی بسیار مشتاق اند که این استنباط را که اسرائیل به طور ذاتی یک کشور ضد مسلمان است، از بین ببرند و برای توسعه روابط با کشورهای مسلمان به اصطلاح میانه رو ارزش بسیاری قائل اند. در زمینه تداوم مناقشه اعراب و اسرائیل و روند صلحی که به طور مکرر آغاز و پایان می یابد، حفظ روابط دیپلماتیک و سیاسی با چنین کشورهایی برای مذاکرات به اصطلاح صلح اسرائیلی بسیار اهمیت دارد، زیرا استنباط ضد مسلمان بودن، تل آویو را از میان بر می دارد. علاوه بر آن سیاستگذاران اسرائیلی با استفاده از روابط حسنه میان باکو و تل آویو نشان می دهند که اسرائیل ناتوان از توسعه روابط با سایر کشورهای شیعه نیست.

حضور فعال اسرائیل در مرزهای ایران در واقع تهدیدهای امنیتی فراوانی برای امنیت جمهوری اسلامی ایران به همراه خواهد داشت. در واقع آذربایجان به منطقه ای حائل بین ایران و اسرائیل تبدیل خواهد شد. نیاز مبرم آذربایجان به توسعه، انگیزه همکاری این کشور با اسرائیل را دو چندان کرده است. حضور لابی صهیونیستی در قالب موسسات فرهنگی و اقتصادی و بنیادهای به اصطلاح خیریه و انسان دوستانه در این کشور خطر بالقوه ای برای امنیت ایران محسوب می شود. از طرفی روابط آذربایجان- اسرائیل بر روبرو ایران- آذربایجان نیز تأثیر خواهد گذاشت.

۲. جایگاه و اهمیت جمهوری آذربایجان در سیاست خارجی اسرائیل

جمهوری آذربایجان در شرق منطقه قفقاز جنوبی در کنار ساحل غربی دریای خزر واقع شده، از جنوب با ایران، از غرب با جمهوری های گرجستان و ارمنستان و ترکیه و از شمال با روسیه

(جمهوری خودمختار داغستان) هم مرز است، جمهوری آذربایجان با دارا بودن ۴۶ درصد از مساحت قفقاز جنوبی، بزرگترین کشور این منطقه می باشد (افشردی، ۱۳۸۱: ۴۷-۴۶).

اسلام دین اکثریت مردم جمهوری آذربایجان را تشکیل می دهد. با این وجود، ادیان در نظام سیاسی این کشور نقشی ندارند و مطابق قانون اساسی سیاست های دولت مبنی بر دستیابی به یک دولت سکولار است (اسدی کیا، ۱۳۷۴: ۳۷-۳۶).

اهمیت جمهوری آذربایجان برای اسرائیل بیش از آنکه به دلیل مسأله یهودیان ساکن در آن کشور و یا مسأله انرژی باشد، بیشتر به خاطر موقعیت ژئوپلیتیک آن است. از سوی دیگر، به این نکته نیز می توان اشاره کرد که سیاست خارجی اسرائیل همواره تحت تاثیر موقعیت ژئوپلیتیک آن، اختلافات اعراب و اسرائیل و مشکل پذیرش موجودیت و مشروعیت آن توسط جامعه جهانی بویژه دولت های عرب بوده است. در این راستا دو اصل کلی، سیاست حضور و خروج از انزوای سیاسی و دیپلماتیک، از ابتدا الگوی رهبران اسرائیل بوده است و بر این اساس اندیشه ائتلاف منطقه ای در دستور کار سیاستمداران اسرائیل قرار گرفت. چنانچه بن گوریون در پی ایجاد یک اتحاد خاورمیانه ای شامل کشورهای غربگرا بود. این استراتژی که پیمان میثاق حاشیه ای نامیده می شد بر این اصل استوار بود که سیاست خارجی اسرائیل باید متکی بر کشورهای پیرامون و غیرعرب باشد. جمهوری آذربایجان با توجه به ویژگی هایی که برشمرده شد، یکی از این کشورها محسوب می شود و با توجه به موقعیت جغرافیایی از اهمیت ویژه ای در سیاست خارجی اسرائیل برخوردار است.

اسرائیل یکی از اولین کشورهایی بود که استقلال آذربایجان را در سال ۱۹۹۱ به رسمیت شناخت و از ابتدای استقلال این کشور، سعی در توسعه روابط خود داشته است. هر چند که در دوران شوروی سابق نیز مقامات اسرائیل با دولتمردان آذربایجان ارتباطات مهمی برقرار کرده بودند، اما استقلال جمهوری آذربایجان و نقشی که این کشور می توان در آینده معادلات منطقه ای و جهان بازی کند سبب شد اسرائیل به سرعت و با استفاده از ابزارهای مختلف سعی در توسعه دامنه نفوذ خود بر این کشور کند. سخنان لیبرمن وزیر خارجه اسرائیل مبنی بر اینکه، جمهوری آذربایجان یک کشور استراتژیک برای اسرائیل می باشد، یک کشور مسلمان و تأمین کننده مهم انرژی و مکانی برای سرمایه گذاران اسرائیلی، گویای اهمیت این کشور در سیاست خارجی اسرائیل می باشد (امیدی و خیری، ۱۳۹۵: ۱۴۳-۱۴۱).

۳. اهداف و انگیزه‌های اسرائیل در قفقاز جنوبی

اسرائیل تلاش‌های گسترده‌ای را برای نفوذ اقتصادی و سیاسی در این منطقه آغاز کرده است. «اسرائیل سعی می‌کند از طریق روابط اقتصادی و تجارت، روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را توسعه داده و به تدریج نفوذ استراتژیک خود را در منطقه افزایش دهد» (اندیشه سازان نور، ۱۳۸۸: ۵۵).

اسرائیل با کمک گرفتن از عوامل داخلی و خارجی توانسته است حضوری پر رنگتر در این منطقه داشته باشد. منظور از عوامل داخلی مجموعه امتیازها و ویژگی‌هایی است که اسرائیل در جمهوری‌های منطقه از آن‌ها برخوردار است. تأسیس شرکت‌های تولیدی و صنعتی، فعالیت در بخش کشاورزی و به خصوص مدیریت آب در قالب طرح «آب کمتر، زمین بیشتر»، اجرای فستیوال‌های فرهنگی و قراردادهای نظامی، از عوامل داخلی تسهیل کننده نفوذ اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی و به ویژه جمهوری آذربایجان است. از عوامل خارجی نیز می‌توان به گرایش جمهوری‌های آذربایجان و گرجستان به آمریکا و به تبع آن میل و خواست روابط نزدیکتر با اسرائیل و نیز حمایت آمریکا از اهداف منطقه‌ای اسرائیل اشاره کرد. بهره‌گیری از تبلیغات شدید علیه جمهوری اسلامی ایران با متهم کردن ایران به تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای، اخلال در فرآیند صلح خاورمیانه و حمایت از تروریسم، موجب شده است تا بستر مناسبی برای جهت‌دهی به افکار عمومی در منطقه به وجود بیاید.

۴. اهداف و ابزار اسرائیل در گسترش نفوذ در جمهوری آذربایجان

اسرائیل با توجه به نزدیکی جمهوری آذربایجان به ایران نگاهی استراتژیک به توسعه حوزه نفوذ و گسترش روابط با جمهوری آذربایجان داشته و این امر را با برنامه‌ای دقیق و فارغ از تبلیغات در حال پیشروی دارد. این در حالی است که روند فزاینده گسترش حضور رژیم صهیونیستی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، تجاری، سیاسی و امنیتی جمهوری آذربایجان رفته رفته ابعاد جدیدی می‌یابد (کرمی و خیری، ۱۳۹۵: ۱۴۶-۱۴۴). اهداف اسرائیل از گسترش روابط با جمهوری آذربایجان را می‌توان بصورت زیر خلاصه کرد.

۱. بهره‌برداری از یهودیان آذربایجان به عنوان جامعه‌ای که می‌توان به وسیله آن‌ها در نهادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آذربایجان نفوذ کرد تا یهودیان به عنوان حافظان منافع اسرائیل در آن کشور فعالیت کنند. روزنامه ینی آذربایجان وابسته به ارکان حاکمیت، چاپ باکو مورخ

۱۳۸۳/۲/۲ طی اعلام خبری با عنوان مراسم یادبود یهودی های کشته شده در جنگ جهانی دوم، به مراسمی اشاره می‌کند که توسط مرکز فرهنگی سفارت اسرائیل، با حضور مقامات رسمی و روسای جوامع یهودی آذربایجان و خارج از آن کشور با سخنرانی سفیر اسرائیل برگزار شد که در این مراسم متن پیام الهام علی اف به ملت یهود نیز قرائت شد.

۲. استفاده از تهدیدهای مشترک و دو جانبه و چند جانبه و توسل به ترفندهای سیاسی و تبلیغاتی به عنوان مثال بزرگ نمایی تهدید ایران و اسلام‌گرایی در آذربایجان و منطقه.

۳. به کارگیری ابزارها و شیوه‌های فرهنگی: برگزاری فستیوال فیلم اسرائیل در باکو و همچنین برپایی نمایشگاه‌های کتاب برای کودکان و بزرگسالان به مناسبت های مختلف. برگزاری تورهای بازدید از اسرائیل توسط آژانس سخونت و وابسته فرهنگی اسرائیل در باکو با هزینه‌های سفارت اسرائیل جهت آشنایی جوانان مسلمان آذری با صنعت، پیشرفت و توسعه دموکراتیک جامعه اسرائیل و انتقال تجربیات به آذری‌ها، تاسیس جمعیت دوستی جوانان آذربایجان و اسرائیل با هدف توسعه بخشیدن به ارزش های تاریخی ملی و معنوی میان دو ملت، در حالی که در عمل هیچ گونه تاریخ مشترکی میان مردم یهودی رژیم صهیونیستی و آذربایجان وجود نداشته است.

۴. بهره‌گیری از اختلافات داخلی جمهوری های سابق شوروی، مانند اختلاف جمهوری آذربایجان و ارمنستان به عنوان ابزاری جهت توسعه و نفوذ خود در این کشورها.

۵. بهره‌برداری از احساسات قومی و ملی‌گرایی: برای مثال در سال ۱۹۹۲ که ابوالفضل ایلچی بیگ با تمایلات و گرایش های ضد ایرانی، رهبری جبهه خلق آذربایجان را در دست داشت، از حمایت های بی‌دریغ اسرائیل برخوردار شد. اسرائیل از یکسو با برانگیختن و تشدید احساسات ملی‌گرایانه در جمهوری آذربایجان سعی در گسترش و تعمیق این جریان و از سوی دیگر بازداشتن از حضور ایران در این جمهوری دارد. طی کنفرانسی که در سال ۱۹۹۵ از سوی ملی‌گرایان آذری تحت عنوان ایران و مسأله جمهوری آذربایجان در دانشگاه باکو برگزار شده بود، برنداشافر، استاد مدعو از دانشگاه تل آویو طی سخنانی اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران نسبت به جمهوری آذربایجان سیاست خصمانه و ستیزه‌جویانه‌ای دارد، چرا که مقامات ایران وجود دولتی مستقل چون جمهوری آذربایجان را برای خود خطری بالقوه می‌دانند. وی در ادامه افزود: وضعیت اقلیت ها در ایران وخیم بوده و سطح زندگی آن ها به خصوص آذری‌ها بسیار پایین است و اتحاد دو آذربایجان شمالی و جنوبی می‌تواند کارگشای مشکلات آن ها باشد. زبان مادری ۳۰ میلیون آذری در ایران به جهت حاکمیت فارس ها رشدی نکرده است(مومنی، ۱۳۸۴)

۶. جذب نخبگان اقتصادی و سیاسی این کشور: می‌توان به کمک‌ها و مساعدت‌های مالی این رژیم چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم به برخی احزاب و روزنامه‌نگاران این کشور اشاره کرد. وظیفه این جراید نزدیک کردن نظر مقامات کشور و افکار عمومی مردم آذربایجان به اسرائیل است و از سوی دیگر این احزاب و گروه‌ها وظیفه تبلیغات ضدایرانی و اسلامی را در جمهوری آذربایجان برعهده دارند.

۷. بهره‌برداری از عوامل و عناصر کشورهای نظیر آمریکا و ترکیه: اسرائیل جهت تحکیم موقعیتش در جمهوری آذربایجان از امکانات و توانمندی‌های آمریکا و ترکیه نیز سود می‌برد. اسرائیل جهت حفظ امنیت سرمایه‌های خود در جمهوری آذربایجان و عدم ایجاد حساسیت در داخل جمهوری و کشورهای همسایه سعی نموده تا برخی از فعالیت‌ها و کالاهای صادراتی‌اش را با پوشش و علامت شرکت‌های ترکیه‌ای به آذربایجان صادر کند.

۸. بهره‌برداری از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل اقتصادی اسرائیل در راستای بازسای اقتصاد داخلی و استفاده از نفوذ اسرائیل در بازارهای منطقه‌ای و جهانی .

۹. یکی دیگر از اهداف اسرائیل، تامین بخشی از نیازهای استراتژیک یعنی نفت مورد نیاز خود از طریق خط لوله باکو-تفلیس-جیحان است که با امتداد این خط به بندر جیهان ترکیه در کنار دریای مدیترانه اسرائیل با احداث یک خط لوله زیرگذر از دریا و با حمل نفت توسط نفتکش‌ها، این منابع را به بندر حیفا و اشدود هدایت خواهد کرد (رادگودرزی، ۱۳۹۵: ۲۱۲).

یکی از اهدافی که به طور جدی در دستور کار رژیم اسرائیل در ارتباط با جمهوری آذربایجان قرار گرفته است اقدام به لابی‌سازی است که در این فرآیند مراحل زیر در حال اجراست:

الف) سازماندهی یهودیان داخل جمهوری آذربایجان؛

ب) متشکل کردن یهودیان با اصالت آذری که به سرزمین‌های اشغالی مهاجرت کرده‌اند؛

ج) ایجاد پیوند میان آن‌ها و به تبع آن تشکیل سازمانی بزرگتر.

طی تلاش‌های سال‌های گذشته، رژیم اسرائیل موفق گردیده تا یهودیان آذری مهاجر به سرزمین‌های اشغالی را در قالب مجمع جهانی اسرائیل-آذربایجان سازماندهی کرده و زمینه عملیاتی یک سلسله اقدامات و برنامه‌های دیگر در آذربایجان را فراهم سازد. این ایده از سوی جابن یودا آبراموف نماینده یهودی پارلمان آذربایجان مبنی بر ایجاد همکاری میان جمعیت‌های آذربایجانی ترک با جمعیت‌های یهودی و با حمایت کمیته دولتی امور آذربایجانی‌های دنیا مطرح گردید (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۷/۰۴/۲۷: ۸).

آنچه مسلم است اینکه ایجاد و فعال‌سازی چنین مشکلاتی برای رژیم اسرائیل اهمیت بسیار بالا و حیاتی دارد. اهدافی که در راستای تاسیس این تشکیلات تعقیب می‌گردد به دو دسته قابل تقسیم است:

۴-۱. اهداف رسمی و آشکار

۱. انجام وظایف سفارت آذربایجان در سرزمین‌های اشغالی تا زمان گشایش رسمی آن در اسرائیل؛
۲. متحد ساختن کلیه آذری-یهودی‌های ساکن اسرائیل و ایجاد هماهنگی در فعالیت یهودیان با اصالت آذری مقیم اسرائیل؛
۳. برقراری روابط رسمی با کشورهای اسلامی غیرمخالف با رژیم صهیونیستی؛
۴. ایجاد قربابت و نزدیکی بیشتر میان آذربایجانی‌ها و یهودیان؛
۵. تلاش برای برقراری روابط هر چه نزدیکتر بین دو طرف در زمینه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛
۶. تحکیم هر چه بیشتر روابط دوستی فرهنگی و کاری و هم‌پیمانی دو کشور؛
۷. گسترش و توسعه همکاری با سازمان‌های یهودی فعال در کشورهای جهان از جمله در آمریکا.

۴-۲. اهداف غیر آشکار و اعلام نشده

سازماندهی گروه‌های نفوذ اخیر یکی از اقدامات استراتژیک و درازمدت صهیونیسم در آذربایجان است. در فرآیند این اقدام، رژیم صهیونیستی اهداف بسیار با اهمیتی را دنبال می‌نماید که از جمله آن‌ها می‌توان به محورهای زیر اشاره کرد:

۱. تلاش برای جایگزینی ایدئولوژی قومی-ملی (پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم) به جای باورهای دینی (شیعی) از جانب رژیم صهیونیستی؛ در این رابطه تلاش رژیم صهیونیستی برای بزرگ‌نمایی خطر ایران به عنوان عامل تهدید مشترک به عنوان تابعی از متغیر ذکر شده که اظهارات متعدد مقام‌های رژیم صهیونیستی در این زمینه قابل تامل است.
۲. ممانعت از روند گسترش حوزه فکری و گسترده جمعیتی اسلامی-شیعی در آذربایجان و منطقه قفقاز؛ در این رابطه یهودیان صهیونیست عملیات رخنه و نفوذ را در ارکان تأثیرگذار مثل کمیته دولتی امور سازمان‌ها و تشکل‌های دینی آذربایجان را نیز آغاز کرده‌اند.
۳. پدید آوردن نسل جدید آذری-اسرائیلی و به دنبال آن تربیت و پروراندن گروه‌های نخبگان ترک یهودی در یک فرآیند میان‌مدت با هدف در اختیار گیری مدیریت کلان جامعه آذربایجان و ارکان قدرت در این کشور.

۴. ایجاد یک فرآیند مطالعاتی و پژوهشی در ارتباط با تاریخ، موسیقی، صنایع دستی و حتی امور ورزشی آذربایجان در قالب مجمع بین‌المللی اسرائیل آذربایجان. این امر نشانگر وجود اهداف درازمدت جمعیت شناختی و روان‌شناختی یهودیان صهیونیست در آذربایجان است.

۵. اهداف آذربایجان از گسترش روابط با اسرائیل

هیچ کشوری مانند آذربایجان در اوراسیا روابط نزدیک و گرمتری با اسرائیل ندارد. این وضعیت به دلیل اینکه آذربایجان یک کشور مسلمان می‌باشد موجب تعجب بسیاری می‌باشد. هر چند براساس قانون اساسی آذربایجان، این کشور بی‌دین بوده و سیاست‌های دولت مبتنی بر دستاویی به یک دولت غیرمذهبی است. حساسیت‌هایی که در میان مسلمانان نسبت به رژیم صهیونیستی وجود دارد، موجب شده است تا دولت جمهوری آذربایجان بدون هیچ‌گونه تبلیغاتی به روابط خود با رژیم صهیونیستی ادامه دهد. باز نکردن سفارتخانه در تل‌آویو نیز بیانگر حساسیت‌های موجود نسبت به این موضوع می‌باشد.

علل و عواملی که باعث گسترش روابط آذربایجان با رژیم صهیونیستی شده را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: اولین موضوع شاید مربوط به بحران قره‌باغ باشد. آذربایجان درگیر منازعه با ارمنستان بر سر منطقه قره‌باغ می‌باشد. دو کشور بین سال‌های ۹۴-۱۹۹۲ بر سر این منطقه به جنگ با یکدیگر پرداختند و در نتیجه این جنگ تقریباً ۲۰ درصد از خاک آذربایجان تحت تصرف و اشغال ارمنستان درآمد. براساس منابع آذری به علت جنگ حدود یک میلیون نفر آذری از قره‌باغ و سرزمین‌های اشغال شده فرار کردند. اسرائیل در این منازعه از طرف آذری حمایت کرده است. براساس گزارش هفته‌نامه عربی زبان الوسط که در لندن منتشر می‌شود؛ در طول این جنگ اسرائیل موشک‌های استیونگر^۱ به آذربایجان می‌داد از زمان پایان جنگ، مذاکرات بین دو طرف زیر نظر سازمان امنیت و همکاری اروپا تحت عنوان گروه مینسک در جریان است که نتیجه‌ای نداشته است. این در حالی است که ایران و روسیه بطور سنتی از ارمنستان حمایت می‌کنند. بطور مثال، از آوریل ۱۹۹۲، ایران گاز طبیعی و سوخت ارمنستان را تأمین کرده است که کمک زیادی به تقویت فعالیت‌های نظامی ارمنستان کرده است. از سوی دیگر، روسیه بین سال‌های ۹۶-۱۹۹۳ جنگ افزارهای نظامی به ارزش ۱ میلیون دلار به

ارمنستان داده است از موشک‌های زمین به هواگرگ^۱ بین دسامبر ۱۹۹۸ تا فوریه ۱۹۹۹ نیز روسیه، ۱۰ جنگنده میگ ۲۹ و سامانه ضد موشکی اس ۳۰۰ را به ارمنستان تحویل داده است (Murinson, 2005/ March/ 30).

عامل دیگر در گسترش روابط آذربایجان با اسرائیل، کشمکش با ایران می‌باشد. ایران و آذربایجان در طول تاریخ به لحاظ مذهبی (هر دو کشور اکثریت شیعه را دارند) با یکدیگر ارتباط داشته‌اند. با این وجود، آذربایجان صدور انقلاب اسلامی از سوی ایران را یک تهدید علیه خود می‌داند. البته نباید تبلیغات آمریکا و صهیونیست‌ها را در این تلقی بی‌تأثیر دانست. از سوی دیگر مسأله رژیم حقوقی دریای خزر عاملی دیگر از موارد اختلافی در کشور است. و اقدامات جمهوری آذربایجان در اکتشاف در دریای خزر، حتی با واکنش نظامی ایران نیز مواجه شده است. از جمله در ۲۳ ژوئیه ۲۰۰۱، ناو جنگی ایران به کشتی‌های اکتشافی آذربایجانی نسبت به عقب‌نشینی از منطقه مورد منازعه هشدار دادند. از زمانی که الهام علی‌الف در اکتبر ۲۰۰۳ رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان شده است، ایران به اقدامات نظامی برای ارباب این کشور دست زده است. در مجموع می‌توان گفت ایران و ارمنستان، آذربایجان را جزئی از محور استراتژیکی که شامل ترکیه، اسرائیل و گرجستان می‌باشد می‌دانند. تهران خواستار قطع و گسستگی این محور می‌باشد (Sullivan, 2009/ july/ 14).

تلقی دولتمردان جمهوری آذربایجان از اسرائیل به عنوان یک جامعه سرمشق، و به عنوان کشوری کوچک، اما از نظر سیاسی و اقتصادی قوی و در عین حال دموکراتیک و غیردینی برای مقامات جمهوری آذربایجان امید بخش بوده است. از ابتدای حکومت حیدرعلی اف، وی خواستار یک حکومت لائیک مانند مدل ترکیه بود. علی‌اف اسلام‌گرایی را تهدیدی علیه منافع کشور آذربایجان و منطقه می‌دانست. در دیداری که نتانیاها، نخست‌وزیر وقت اسرائیل از باکو داشت، نتانیاها با بیان اشتراکات دو دولت اسرائیل و جمهوری آذربایجان خواهان روابطی مانند اسرائیل و دولت‌های مسلمان مصر، ترکیه و اردن شد که نمونه‌ای از رابطه مسالمت‌آمیز و دوستانه یک رژیم یهودی با یک دولت اسلامی است (رادگودرزی، ۱۳۹۵: ۱۹۴). از طرف دیگر استراتژی آذربایجان در نزدیکی به اسرائیل به نیازهای ذاتی این کشور باز می‌گردد. این کشور پس از استقلال از یک ضعف اقتصادی، سیاسی رنج می‌برد. و برای فائق آمدن به این مشکلات به دنبال راه حل‌هایی بود. ترکیه به عنوان متحد استراتژیک آذربایجان که مسؤولان آذری در

1. Krug

بیان میزان نزدیکی دو کشور، شعار یک ملت و دو دولت را بیان می‌کنند، به عنوان یک واسطه عمل نمود و با هموار کردن زمینه‌های همکاری اسرائیل و آذربایجان، علاوه بر کسب رضایت آذری‌ها، رضایت اسرائیلی‌ها را نیز بدست آورد.

بطور کلی مقام‌های جمهوری آذربایجان از نزدیکی به اسرائیل اهداف زیر را دنبال می‌کنند؛

۱. ایجاد ارتباط با آمریکا و کشورهای اروپائی از طریق اسرائیل؛

۲. استفاد از کمک‌ها و مساعدت‌های اسرائیل برای سرمایه‌گذاری در آذربایجان و بازسازی ویرانی‌های جنگ و مبارزه با بیکاری؛

۳. استفاده از لابی یهود در مقابل لابی ارامنه در کنگره آمریکا در جهت متوقف کردن مصوبه ۹۰۷ کنگره آمریکا که در اوایل ۱۹۹۲ به بهانه نقض حقوق بشر در جنگ با ارمنستان تحت فشار لابی ارامنه علیه جمهوری آذربایجان تصویب شده که برطبق این مصوبه کاخ سفید باکو را از کمک‌های به اصطلاح انسان دوستانه محروم ساخت (موسوی، ۱۳۹۱: ۲۸).

۴. مبارزه با اسلام‌گرایی و تروریسم: دولت آذربایجان به دلیل وجود زمینه‌های مذهبی و دینی در افکار عمومی مردم جمهوری آذربایجان و زمینه‌های همگرایی که میان مردم ایران و آذربایجان به خاطر ریشه‌های تاریخی و مذهبی وجود دارد، خطر اسلام‌گرایی را تهدیدی جدی برای خود می‌داند و به همین دلیل از هر ابزاری برای سرکوب آن‌ها استفاده می‌کند.

۵. جذب تکنولوژی جدید بازسازی صنایع و آموزش کادر فنی و پزشکی، دولت آذربایجان با اعزام تکنسین‌ها و کادر پزشکی خود به اسرائیل جهت طی دوره‌های کوتاه مدت و بلندمدت می‌کوشد تا در این خصوص طبق قرارداد منعقد شده میان وزارت بهداشت آذربایجان و وزارت بهداشت اسرائیل، کادر پزشکی و پرستاری، آذربایجان را جهت گذراندن دوره‌های تخصصی به مدت سه ماه تا یک سال در قالب گروه‌های مختلف به اسرائیل اعزام کند (رستمی، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

۶. چارچوب همکاری‌های اسرائیل و جمهوری آذربایجان

۶-۱. روابط سیاسی، امنیتی - نظامی

سنگ بنای روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل با سفر معاون نخست وزیر اسرائیل به باکو در سال ۱۹۹۲ بسته شد. در طول این سفر، سفارت اسرائیل در باکو افتتاح شد. هر چند بعد از گذشت ۱۸ سال از روابط دو جانبه، باکو بدلیل حساسیت های موجود در میان کشورهای مسلمان منطقه و وجود همسایه ای قدرتمند و ضد اسرائیلی مانند ایران در مرزهای جنوبی جمهوری آذربایجان، اقدام به ایجاد سفارتخانه در تل آویو نکرده است (Abilov, 2008/ December/ 13).

اوج توسعه روابط جمهوری آذربایجان با اسرائیل در زمان جبهه خلق به رهبری ابوالفضل ایلچی بیگ بود. در این دوره اسرائیل سفارت خود را در این کشور به سطح سفیر ارتقا داد. اسرائیل از نظر سیاسی در زمینه های آموزش دیپلماتیک، روزنامه نگاری، خبرگزاری و احزاب سیاسی با جمهوری آذربایجان همکاری داشته است. در سال ۹۵-۱۹۹۴، بیست و پنج دیپلمات از باکو برای گذراندن دوره های روابط بین المللی در وزارت خارجه اسرائیل عازم تل آویو شدند (روزنامه اطلاعات، ضمیمه، ۷۴/۴/۳۱: ۱)

در حال حاضر نیز روابط سیاسی دو کشور در حال گسترش است. شیمون پرز، رئیس جمهور اسرائیل اواخر ماه ژوئن ۲۰۰۹، به باکو سفر کرد. این اولین بار بود که یک مقام بلند پایه رسمی دولت یهود از یک دولت با اکثریت مسلمان دیدار می کرد. در طی این سفر دو کشور توافقنامه هایی را جهت همکاری در زمینه های مختلف از جمله آموزش، فرهنگ، اطلاعات و تکنولوژی های ارتباطی با یکدیگر به امضاء رساندند. دو کشور نیز از تداوم روابط قوی و صمیمی با یکدیگر حمایت کرده اند (Abbasov, 2009/June/28). محکوم نکردن جنایات و تجاوزات رژیم صهیونیستی نسبت به مردم فلسطین در اجلاس سران کنفرانس اسلامی، بیان کننده استحکام روابط دو کشور می باشد.

در خصوص همکاری های نظامی بین آذربایجان و اسرائیل، به جهت حساسیت مسأله همکاری های نظامی بین این دو و به دلیل عدم انعقاد صلح میان ارمنستان و آذربایجان و افشای همکاری نظامی اسرائیل با دولت آذربایجان، می تواند به روابط این رژیم با کشورهای اروپایی به خصوص فرانسه لطمه وارد کند (فرانسه بزرگترین حامی ارمنستان از نظر سیاسی بعد از روسیه است) و این امر ممکن است موجب تقابل لابی یهود و آرامنه در آمریکا شود. به همین جهت اسرائیل سعی دارد روابط نظامی خود با باکو را بصورت پنهانی و بدون بازتاب خارجی ادامه دهد، برای نمونه اسرائیل در جریان جنگ قره باغ موضع قاطعی به نفع آذربایجان اتخاذ کرد. با این وجود، اسرائیل به عنوان مهمترین منبع تأمین کننده تسلیحات جمهوری آذربایجان شناخته می شود (Melman, 2008/sept)

26). و براساس گزارش ها، اسرائیل در حال کمک به بازسازی و تقویت نیروهای نظامی آذربایجان که بعد از جنگ قره باغ دچار صدمات سنگینی شده بود، می باشد. پس از انعقاد قرارداد نظامی-امنیتی اسرائیل و ترکیه در سال ۱۹۹۶ که اسرائیلی ها طی آن اجازه مانور در ترکیه را پیدا کردند و سالانه مانور عقاب آناتولی را انجام دادند، جمهوری آذربایجان خواستار شد تا عضو ناظر فعالیت ها و مانور نظامی این دو کشور باشد. یکی دیگر از ابعاد حضور نظامی اسرائیل در منطقه قفقاز، همکاری ترکیه، اسرائیل و جمهوری آذربایجان است که در سال ۲۰۰۲ با انعقاد پیمان ترابوزان شدت گرفت، که هدف آن گسترش اتحاد نظامی ترکیه و اسرائیل به جمهوری آذربایجان در راستای طرح به اصطلاح خاورمیانه بزرگ جهت خارج کردن اسرائیل از انزوای منطقه ای می باشد (کاظمی، ۱۳۸۱: ۱۲).

در طول سفر شیمون پرز به باکو در سال ۲۰۰۹، یک قرارداد بسیار مهم امضا شد که در برگیرنده ساخت یک کارخانه تولید تسلیحات در آذربایجان می باشد. با ساخت این کارخانه، آذربایجان به تولید کننده مهم سیستم های بسیار پیشرفته در منطقه تبدیل شد. نکته قابل توجه اینست که روسیه نیز از این قابلیت برخوردار نیست (Zamejc, 2010/June/08).

اسرائیل و جمهوری آذربایجان همکاری های اطلاعاتی نیز دارند. در این خصوص اسرائیل تلاش کرده است تا از طریق رشد فعالیت ها و همکاری های اطلاعاتی و جاسوسی نفوذ خود در منطقه را بیشتر کند (موسوی و زارعی، ۱۳۹۱: ۱۹۷).

در این زمینه حائز اهمیت است که اسرائیل در سال ۲۰۰۳، دومین پایگاه اطلاعاتی خود را در منطقه جنوبی جمهوری آذربایجان، با هدف جمع آوری اخبار از ایران و با نصب دستگاه های شنود آغاز نموده است. در این زمینه اسرائیلی ها معتقدند که با کشورهای نظیر آذربایجان، می توانند در زمینه شنود رادیویی به توافق برسند و علیه دولت های مختلف و از جمله ایران از آن استفاده کنند (کاظمی، ۱۳۸۳: ۱۷).

۲-۶. روابط اقتصادی

رژیم صهیونیستی بطور کلی از دو حربه برای گسترش نفوذ در جمهوری آذربایجان استفاده می کند یکی مسائل اقتصادی و دیگری از طریق نهادهای به اصطلاح اشاعه دهنده دموکراسی در آذربایجان با توجه به حساسیت هایی که مسلمانان دارند، اسرائیل بیشتر کوشیده است محور حضور خود را مسائل اقتصادی یا همکاری های علمی و فنی مطرح کند تا از این طریق خود را حامی توسعه این کشورها نشان داده و حساسیت ها را کاهش دهد (کاظمی، ۱۳۸۱: ۳۱). بخش

کشاورزی که وسیعترین بخش اقتصاد آذربایجان بعد از بخش انرژی (نفت و گاز) می باشد، پتانسیل هایی جهت بسط و توسعه همکاری های دو کشور را فراهم آورده است. در این راستا، بهره گیری از توانایی های کشاورزی اسرائیل بسیار مورد توجه آذری ها قرار گرفته است. سیستم کشاورزی آذربایجان توسط اسرائیل دچار اصلاحاتی شد (Bourtman, 2006/July/01). بویژه باید به فعالیت های شرکت های اسرائیلی در منطقه سالیان و لنکران اشاره کرد. همچنین اسرائیلی ها (البته با کمک آمریکائی ها) بیمارستان بین المللی باکو را ساختند. از جمله قراردادهایی که اسرائیل با آذربایجان داشته است، می توان به قرارداد اجاره صدها هکتار از زمین های کشاورزی آذربایجان (بویژه در نزدیکی مرزهای ایران)، قرارداد شرکت هواپیمایی دولتی آذربایجان موسوم به آزال^۱ با شرکت هواپیمایی رژیم صهیونیستی به نام (عل عال) در اواسط شهریور سال ۱۳۸۰ در خصوص برقراری خط پروازی باکو- تل آویو و همچنین قراردادی که در مارس ۲۰۰۲ در خصوص ساخت دستگاه کولر میان دو شرکت اسرائیلی و آذربایجانی منعقد شد، اشاره کرد (کاظمی، ۱۳۸۱: ۳۴).

اسرائیل، آذربایجان را دروازه ورود به منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و ترکیه را واسطه این کار می داند و به همین جهت این کشور با توسعه روابط اقتصادی خود با آذربایجان سعی دارد از آذربایجان به عنوان پل ارتباطی خود با کشورهای آسیای مرکزی استفاده کند، یعنی با راه اندازی صنایع نفتی و تولیدی، کشورهای این منطقه تنها راه مطمئن جهت رسیدن این محصولات از دریای خزر و آذربایجان باشند، چرا که مسیرهای ایران به جهت غیر عملی بودن و داشتن روابط خصمانه ممکن نیست و مسیر افغانستان و پاکستان نیز به جهت عدم تأمین امنیت لازم در زمان حال امکان ندارد. بنابراین تنها گزینه اقتصادی و قابل انجام مسیر آذربایجان است. به همین جهت اسرائیلی ها با کمک آمریکا و شرکت های اروپایی به شدت در تلاشند تا شهر سومقاییت آذربایجان که در ۲۰ کیلومتری باکو قرار دارد را به منطقه آزاد اقتصادی تبدیل کنند. اجرای این پروژه عظیم را شرکت های اسرائیلی برعهده دارند. اسرائیل قصد دارد با اجرای این پروژه، منطقه سومقاییت آذربایجان را به عنوان منطقه آزاد دریای خزر معرفی کند. همچنین اسرائیل با این اقدام، مسیر فعالیت های تجاری کشورهای حوزه خزر را تحت کنترل و نظر خود می گیرد و بازار بزرگ منطقه را در اختیار شرکت های اسرائیلی و کالاهای تولیدی آن ها قرار خواهد داد. در این راستا، سمینار مشاوره ای مسؤولان اقتصادی

1. Azal

آذربایجان و اسرائیل در جولای سال ۱۹۹۸ در باکو برگزار شد. این سمینار از طرف کمیته گسترش مالکیت‌های کوچک و مبارزه با انحصارات دولتی آذربایجان با حضور جمعی از بازرگانان و کارشناسان اقتصادی اسرائیل برگزار شد که تحت عنوان نتایج گسترش مالکیت‌های کوچک در اسرائیل مورد بحث قرار گرفت و هدفش بررسی نقش مالکیت‌های کوچک در شکوفایی اقتصاد اسرائیل و امکان مشارکت بازرگانان و سرمایه‌گذاران اسرائیلی در طرح‌های اقتصادی جمهوری آذربایجان بود. در این راستا سفر مقامات اقتصادی اسرائیل به باکو عقد قراردادهای مختلف نشانگر میزان اهمیت این روابط است همچنان که در سفر ۲۰۰۴ هنری پوسنر، رئیس راه‌آهن اسرائیل به باکو جهت عقد قراردادها با شرکت راه‌آهن آذربایجان و افتتاح مرکز یهودی کوینت در شهر باکو با رئیس‌جمهور آذربایجان دیدار نمود. بنابراین می‌توان گفت که اسرائیل از طریق عقد قراردادهای گوناگون، خیزش وسیعی در اقتصاد آذربایجان داشته است. ذکر این نکته نیز ضروری است که اسرائیل سومین خریدار نفت آذربایجان از لحاظ حجم می‌باشد و ارزش تجارت بین دو کشور اسرائیل و آذربایجان به بالاتر از ۳/۶ میلیارد دلار در سال رسیده است که نشان دهنده روابط عمیق اقتصادی بین دو کشور می‌باشد (Sullivan, 2009).

۳-۶. روابط فرهنگی

اسرائیل در زمینه فرهنگی نیز در آذربایجان فعالیت دارد. یکی از دلایل این روابط بسیار نزدیک مربوط به پیوندهای نزدیک بین آذربایجانی‌ها و یهودیانی است که در آذربایجان زندگی می‌کنند. یهودیان جمهوری آذربایجان جزء اولین یهودیان ساکن در کل شوروی بودند که توانستند مجوز فعالیت دینی و تاسیس مدرسه مخصوص یهودیان را در شوروی بدست آورند. اولین وزیر بهداشت جمهوری دموکراتیک آذربایجان در سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۱۸ نیز یک یهودی بود. نمایندگان گروه‌های یهودی نیز در پارلمان حضور داشتند و در دوران موجودیت این جمهوری از سال ۲۰-۱۹۱۸، این جامعه یهودی اقدام به انتشار یک بولتن مخصوص یهودیان قفقاز و روزنامه‌ای به نام فلسطین و مجله‌ای تحت عنوان صهیونیسم جوان که هر دو هفته منتشر می‌شد، نمود (AryGut, 2009). با پیروزی انقلاب اکتبر، به نظر می‌رسید با توجه به سیاست‌های برابری جویانه کمونیست‌ها، یهودیان از امکان فعالیت‌های آزادانه برخوردار گردند اما فعالیت احزاب یهودی در روسیه تا سال ۱۹۲۸ بیشتر ادامه نیافت. پس از آن نه تنها احزاب مورد سرکوب و تحت فشار قرار گرفتند، بلکه یهودیانی که در نهادها و احزاب دیگر فعال بودند،

از ادامه فعالیت خود منع شدند(کولایی، ۱۳۸۳: ۱۰). براساس آمارها جمعیت یهودیانی که هم اکنون در آذربایجان زندگی می‌کنند حدود ۲۵ هزار نفر تخمین زده می‌شود (Zamejc, 2010: 24).

در خصوص روابط فرهنگی اسرائیل در آذربایجان، مسائل متنوع و مختلفی وجود دارد که اسرائیلی‌ها با استفاده از آن‌ها سعی در توسعه نفوذ خود در میان نخبگان و جوانان آذری دارند. تشکیل انجمن دوستی جوانان آذربایجانی و اسرائیلی در سال ۲۰۰۴ در باکو با عضویت اولیه چهل نفر از جوانان و تحصیل‌کردگان مسلمان آذری که هدف این انجمن گسترش ارتباط جوانان مسلمان آذربایجان با جوانان یهودی ساکن در آذربایجان و جوانان اسرائیلی در رابطه با علوم نوین و تاریخ گذشته در روابط فرهنگی و دوستی دو جانبه می‌باشد.

اسرائیلی‌ها با درک بافت فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جامعه آذربایجان در برخورد با این کشور، معتقدند که مساله روابط فرهنگی برای این کشور از اهمیت بالایی برخوردار است، چرا که اگر اسرائیل در طراحی مناسبات خود با آذربایجان مقوله فرهنگی را کمرنگ قرار دهد، در بلندمدت زمینه‌های فعالیت خود را از دست خواهد داد. بنابراین، اسرائیل از ابتدای ورود خود به آذربایجان کوشید تا حضور خود را در قالب فرهنگی بیشتر نمود دهد. این کشور با ساخت بیمارستان و مراکز فرهنگی آموزش زبان انگلیسی، کامپیوتر و موسیقی سعی در ایجاد نزدیکی با قشر جوان و تحصیل کرده این کشور نموده است. یکی از اقدامات فرهنگی میان دو کشور تاسیس انجمن آذربایجانی‌ها در اسرائیل در سال ۲۰۰۷ در منطقه ریشون اسرائیل می‌باشد. این نهاد در حال حاضر نقش کلیدی در فراهم آوردن شرایط و کمک به آذربایجانی‌هایی که در دولت یهود زندگی می‌کنند و همچنین در گسترش مناسبات بین جمهوری آذربایجان و اسرائیل داشته است (AryGut, 2009). این مرکز در حال حاضر در حال ساختن یک کتابخانه آذربایجانی در اسرائیل می‌باشد.

تمامی اقدامات بیان شده این ایده را رواج می‌دهد که اسرائیل و آذربایجان به نوعی هم از نظر روابط فرهنگی بسیار پرتحرک هستند و هم از نظر ساختار حکومتی و منطقه‌ای با یکدیگر مشترکات فراوانی دارند.

۷. تأثیرات روابط اسرائیل و آذربایجان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

۷-۱. تأثیر نظامی و امنیتی

تأثیرات - نظامی و امنیتی حضور اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی و بالاخص آذربایجان از چند بعد بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد. از جمله آن ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۷-۱. تقویت حضور نیروهای ناتو در قفقاز جنوبی: تقویت نیروهای ناتو در این منطقه در راستای سیاست های بین المللی ایالات متحده و تأمین منابع راهبردی این کشور است. نظر به همسویی و نزدیکی راهبردی - امنیتی اسرائیل و ایالات متحده، حضور اسرائیل و ناتو باعث تقویت حضور متقابل شده که با توجه به ناهمسویی کلی این کشورها با منافع جمهوری اسلامی ایران و تشدید نظامی گری در محیط امنیتی ایران باعث کاهش تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در این منطقه می گردد.

۱-۷-۲. ایجاد پایگاه های شنود در منطقه به خصوص در مجاورت مرزهای ایران: برای نمونه می توان به تأسیس پایگاه رادار و سیستم جاسوسی الکترونیکی در نزدیکی مرزهای ایران و نیز اقدام برای ایجاد پایگاه هایی برای انجام عملیات هوایی علیه ایران در آذربایجان اشاره کرد.

۱-۷-۳. افزایش حضور کارشناسان نظامی اسرائیل در منطقه و آذربایجان: پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، همکاری های امنیتی میان سرویس های امنیتی نظامی اسرائیل با کشورهای منطقه قفقاز افزایش یافت. هم اینک کارشناسان نظامی اسرائیل ماموران نظامی - امنیتی آذربایجان را آموزش می دهند که علاوه بر تشدید فضای نظامی گری در منطقه باعث واگرایی سیاسی - امنیتی میان این کشور با جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه کاهش امنیت ملی ایران می شود.

۲-۷. تأثیر فرهنگی - اجتماعی

تأثیرات حضور اسرائیل در آذربایجان از نظر فرهنگی و اجتماعی واجد اهمیت است، این تاثیر بیش از هر چیز معطوف به مهار اسلام گرایی بالاخص در جمهوری اسلامی ایران است. که برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران از این حربه استفاده می کنند.

۳-۷. تأثیر اقتصادی

توانمندی های اسرائیل در بخش های کشاورزی، صنعت، ساختمان و توریسم از یک سو و نیاز جمهوری آذربایجان به بهره گیری از روش های علمی و سرمایه گذاری در این بخش ها به صورت عوامل تعیین کننده در افزایش همکاری های متقابل در این حوزه های اقتصادی شده است. علاوه بر این همکاری های گسترده ای در صنایع مخابراتی - ارتباطی، امور زیربنایی و پایین دستی و نفت

میان دو کشور صورت می گیرد. لذا می توان گفت در نتیجه حضور اقتصادی اسرائیل در آذربایجان سطح همکاری های ایران در این حوزه ها و بهره گیری های اقتصادی از آن به شدت کاهش می یابد که این مسأله زیان های اقتصادی و تحدید نفوذ ایران را در آذربایجان به دنبال خواهد داشت.

۴-۷. تأثیر سیاسی

برخی از افراد کشور آذربایجان به دلیل تهدیدی که از ناحیه مخالفان داخلی و خارجی خود احساس می کنند، سعی در نزدیکی بیشتر به آمریکا توسط اسرائیل دارند. بدین ترتیب، حضور اسرائیل در این کشور به تقویت نخبگان واگرا با جمهوری اسلامی ایران می انجامد که پیامد طبیعی چنین امری کاهش نفوذ و تأثیرگذاری ایران در منطقه و در نتیجه تضعیف امنیت ملی آن خواهد بود. بنابراین در مجموع همچنان که اسرائیل به هر دلیل و بنا به هر موقعیتی توانسته باشد در بخش های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی موفق به جلب همکاری آذربایجان شده باشد، به همان میزان از قدرت و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران کاسته خواهد شد و این مسأله عملاً به معنی از دست دادن بخشی از منافع ایران در هر یک از این بخش ها بوده که در نهایت کلیت منافع و امنیت ملی آن را تضعیف و تهدید می نماید.

نتیجه گیری

فروپاشی شوروی فرصت مناسبی برای رژیم صهیونیستی به وجود آورده تا این رژیم بتواند از حلاء امنیتی بوجود آمده در منطقه استفاده و خود را به مرزهای ایران نزدیک کند. جمهوری آذربایجان یکی از نشان گاه های ویژه اسرائیل است که با توجه به شکل مرزهای ایران و آذربایجان، توسعه نیافتگی و ویژگی های و دموگرافیک منطقه، انگیزه رژیم صهیونیستی برای انجام فعالیت های خرابکارانه و اقدامات جاسوسی و مسائلی چون تحریکات ضد دولتی در مرزهای ایران را افزون تر می کند. حمایت آمریکا و غرب از حضور اسرائیل در قفقاز و به ویژه آذربایجان؛ به خاطر اعمال فشار به ایران است که این موضوع باعث شده که ایرانی با ائتلافی از کشورها در مرزهای شمالی خود روبه رو شود که پیامدهای آن در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هزینه های امنیتی جمهوری اسلامی ایران را افزایش می دهد و از طرف دیگر بر روابط ایران با کشورهای منطقه تأثیر می گذارد و ایران را در دستیابی به یک رژیم امنیت دسته جمعی با حضور بازیگران منطقه ای با مشکل مواجه ساخته است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران می تواند با بهره گیری از پتانسیل های موجود در منطقه از جمله

اشتراکات تاریخی، فرهنگی و دینی و تقویت دیپلماسی عمومی تهدیدات موجود را به فرصت تبدیل کند. افزایش مبادلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و تلاش بیشتر در ارائه راهکارهای عملی برای حل مناقشات منطقه ای باعث همگرایی های بیشتر منطقه ای خواهد شد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- امیدی، علی و خیری، مصطفی (۱۳۹۵)، « تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران»، *مطالعات راهبردی*، سال نوزدهم، شماره ۷۳، پاییز، صص ۱۵۸-۱۳۷.
- اسدی کیا، بهناز (۱۳۷۴)، *جمهوری آذربایجان*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- افشردی، محمدحسین (۱۳۸۱)، *ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد.
- راد گودرزی، معصومه (۱۳۹۵)، «روابط استراتژیک اسرائیل و آذربایجان: بنیادها و الزامات»، *فصلنامه سیاست جهانی*، شماره سوم، پاییز، صص ۲۱۶-۱۸۵.
- رستمی، میثم (۱۳۸۵)، *بررسی موانع در راهکارهای گسترش روابط ایران و جمهوری آذربایجان*، پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق، تهران، ایران.
- رضایی، علی اکبر (۱۳۷۷)، «اسرائیل در آسیای مرکزی»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۲۳، پائیز، صص ۷۸-۶۵.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۸۰)، «گذری بر حضور رژیم صهیونیستی در آسیای مرکزی و قفقاز»، *روزنامه اطلاعات*، ۵ شهریورماه.
- کاظمی، احمد (۱۳۸۱)، «اتحاد ترابوزان اهداف و پیامدها» *گزارش پژوهشی*، شماره ۴۳، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کاظمی، احمد (۱۳۸۳)، «اسرائیل و بحران های قفقاز جنوبی»، *گزارش راهبردی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کولایی الهه (۱۳۸۳)، *علل و پیامدهای توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل*، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- موسسه مطالعات اندیشه سازان نور (۱۳۸۸). *نفوذ اقتصادی اسرائیل در منطقه*، تهران: انتشارات موسسه مطالعات اندیشه سازان نور

موسوی، سید محمدرضا (۱۳۹۱). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان»، فصلنامه قفقاز، سال سوم، شماره یازدهم، پاییز.

موسوی، سید محمدرضا و علیرضا زارعی (۱۳۹۱). «نفوذ آمریکا در جمهوری آذربایجان و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آران، سال یازدهم، شماره ۳۲ و ۳۳، پاییز و زمستان.

مومنی، میرقاسم (۱۳۸۴)، «جامعه یهودیان آذربایجان و ابعاد روابط دو جانبه آذربایجان و اسرائیل»، فصلنامه آران، سال سوم، شماره ۷، تابستان.

کولایی، الهه و رضازاده، حبیب (۱۳۹۲)، «نقش ایران در گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل»، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، شماره دهم، زمستان، صص ۳۵-۹.

ب) منابع انگلیسی

- Abilov, Shamkhal (2008), "why Azerbaijan has no Full Diplomatic Relations with Israel", Available at: <http://www.Usak.Org/December/13>.
- AryGut (2009), Why Axerbaijan's Relation with Israel are so Calse? Avniliable at: www.Ada.Edu./April/15.
- Bourtman, Ilya(2006). "Israel and Azerbaijan, Furtive Embrace." **Middle East Quarterly**, pp 47- 57.
- Caspianweekly (2008), "Azerbaijan – Israel Relation", Aviliable at: <http://www.Caspianweekly.org/October/12>.
- Melman, Yossi(2008), "Israel and Azerbaijan Close Multi- Million Doller Arms Deal" Available at:www.Haaretz.Com/sept26.
- Murinon, Alexander (2008), "Azerbaijan-Turkey-Israel Relations: The Energy Factor", **The Middle East Review of International Affairs (MERIA)**, Volume 12, No.3-September.
- Murinon, Lleexander (2005), "Relations Between Azerbaijan and Israel Froother Muslim States in Eurasia" Available at: <http://www.Cagaptay.Com/March/30>.
- Sallivan, Elizabeth(2009), "Iran Angered by Ties Between Israel and Azerbaijan", **Available in: http://www.Cleleland.Com/july/14**.
- Zamejc, Anna(2010), "the Blooming Friendship Between Azerbaijan and osteel" , available at: <http://www.Rferl.Org/june/08>.